

تحلیل ماهیت حقوقی شرکت تک عضوی و امکان تشکیل و اداره آن

در حقوق تجارت ایران

ایمان غریب نواز^۱

چکیده:

اهمیت شخصیت و شخص حقوقی در دنیای مدرن و اتکای بازار آزاد به اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، بسیاری از کشورهای دنیا را به سمت شناسایی شرکتهای تجارتهای سوق داده که ماهیت آنها به طور کامل اعتباری و به دور از ماهیت سنتی دیگر شرکتهای تجارتهای است، به نحوی که عنصر عقد شرکت یا شراکت نامه به طور کلی در آن وجود ندارد یا بی اثر می شود. به تازگی در ایران نیز با تهیه پیش نویس لایحه اصلاح قانون تجارت و پیش بینی شرکت با عضو واحد در آن به نظر می رسد، در حقوق شرکتهای تجارتهای، تحولی شگرف ایجاد خواهد شد. شرکت با عضو واحد شرکتی است که برای تشکیل و ادامه حیات خود تنها نیاز به عضویت یک شخص دارد. این نوشتار بر آن است به این پرسش پاسخ دهد که ماهیت حقوقی شرکت با عضو واحد چه انطباقی با مبانی حقوقی و فقهی سیستم حقوقی ایران دارد؟ و با بررسی ماهیت حقوقی شخصیت حقوقی پس از یک مطالعه تطبیقی با توجه به نظریه (سازمانی) نتیجه می گیریم، امکان تشکیل و اداره شرکت با عضو واحد در حقوق ایران قابل اثبات و مطابق قاعده است.

کلید واژگان: شخصیت حقوقی، شرکت با عضو واحد، مسئولیت محدود، انحلال شرکت، نقاب شرکتی.

^۱- قاضی دادگستری شهرستان اصفهان

مقدمه:

برای بررسی تحلیلی (شرکت با عضو واحد)² برطرف کردن این ابهام که چنین عنوانی، جمع دوزد است. از اهمیت بالایی برخوردار است. با وجود این، با توجه به سیال بودن عرف تجاری در دنیای پیشرفته کنونی و ضرورت وضع مقررات یک شکل برای تضمین اقتصاد بین ملت ها، ناگزیر باید، نظام های کهنه‌ی تجاری خود را از کمند بحث های اصولی و بنیادین در مورد ماهیت شرکتهای تجاری نجات دهیم، زیرا با سرعت برق آسای سمنند تیزپای تجارت و اشخاص حقوقی در دنیای کنونی، زمانی خواهد رسید که شرکتهای تجاری موجود در نظام های سنتی در روبرو شدن با نظام های امروزی به شرکتهایی برخورد کنند که بیشتر با عضو واحد و تعلق صد در صد سرمایه به یک نفر تشکیل شده و ادامه حیات می دهند. در حقوق ایران، بسیاری از شرکتهای تجاری فقط به طور صوری دارای چند عضو هستند و در حقیقت با یک عضو اداره می شوند و ادامه حیات می دهند. بنابراین، ضرورت دارد علاوه بر امکان و مبانی تشکیل شرکتهای با عضو واحد، امکان اداره و ادامه حیات دیگر شرکت ها و شخصیتهای حقوقی با یک عضو واحد نیز بررسی شود، زیرا قانونگذار موارد انحلال هر کدام از شرکتهای تجاری را برشمرده است و اینکه حیات شخصیت حقوقی آن شرکتها به صرف تک عضو شدن پایان یافته تلقی شود، محل تردید است. در پژوهش حاضر تلاش شده است، به سه سوال اساسی زیر پاسخ داده شود:

۱- آیا ایجاد و تشکیل شرکت با عضو واحد در حقوق تجارت ایران امکان پذیر هست یا

خیر؟

۲- آیا تشکیل و اداره شرکت تجاری با عضو واحد با مبانی حقوقی و فقهی نظام حقوقی

ایران سازگاری دارد یا خیر؟

۳- وضعیت حقوقی شرکتهای تجاری که تعداد اعضای آنها از نصاب قانونی کمتر و به یک

عضو رسیده است، چگونه است؟

پس ضرورت دارد، نخستماهیت شرکتهای تجاری و شخصیت حقوقی آنها بررسی و سپس به ضرورت و

امکان تشکیل شرکت با عضو واحد پرداخته شود.

² -Single Member Company

۱ مبانی و ماهیت حقوقی شرکت های با عضو واحد

۲ ۱-۱ تعریف و معرفی شرکت

واژه (شرکت) از کلمه (شرك) مشتق شده است. کلمه شرك اسم مصدر و در اصطلاح به معنای دو یا چند خدا داشتن است که در اصطلاح حقوقی به معنای «حَقّه و رسد کسی از مال مشترک» به کار می‌رود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸۰). واژه شرکت در اصطلاح لغوی به مفهوم شریک شدن و هم دست شدن در کاری است، اما در گستره علم حقوق به طور عام و حقوق خصوصی به طور خاص، لفظ شرکت تداعی کننده مفاهیم متعدّد، گسترده و در عین حال ناهمگونی است.

در حقوق مدنی شرکت به دو معنای عام و خاص است. در مفهوم عام به عقدی می‌گویند که طرفهای سرمایه یا کار خود را برای به دست آوردن سودی خالص جمع می‌کنند، مانند عقد مزارعه یا مضاربه. در معنای خاص به اجتماع مشاع حقوق مالکان متعدّد در مالی واحد گفته می‌شود، به نحوی که چند نفر به شکل مشاع مالک مال یا حق واحدی هستند و هر کدام در اجزای آن دارای حق مالکیت اند. در ماده ۵۷۱ قانون مدنی شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکان متعدّد در شییی واحد به نحو اشاعه. پس مشخص است که قانونگذار در این ماده از مفهوم خاص شرکت استفاده کرده است. البته این مفهوم خاص بنابر ماده ۵۷۳ قانون مدنی می‌تواند در بردارنده بسیاری از مصادیق مفهوم عام نیز باشد.

آنچه منظور است، آن است که شرکت به عنوان عقدی است که حاصل توافق اراده طرفها است. امروزه، عقد شرکت به عقدی گفته می‌شود که بر اساس آن دو یا چند شخص به منظور تصرف مشترک و تقسیم سود و ضرر و یا هدف مشترک دیگری حقوق یا اموال خود را در میان می‌گذارند تا به جای آن مالک سهم مشاعی از این مجموعه شوند.

بدین ترتیب این تعریف در برگیرنده مصادیق متعددی از شرکتهای و موسسات در حقوق مدنی، حقوق تجارت و حقوق عمومی می‌شود، چرا که بسیاری از سازمانهای تجارتي و غیر تجارتي و نهادهای حقوقی حقوق خصوصی و عمومی مانند انجمنها، تجارتخانه ها و شرکتهای تجارتي را شامل می‌شود.

در قانون های ایران، شرکت، سهم خاصی از نگاه قانونگذار را معطوف خود ساخته است. اما هیچ کدام به طور جامع و مانع درصدد تبیین عقد شرکت بر نیامده اند و از طرف دیگر به طور دقیق به بیان مصادیق عقد شرکت نپرداخته اند، به طور مثال در قانون مدنی تنها به دو نوع حالت اشاعه اشاره شده است. (ماده ۵۷۲ قانون مدنی: شرکت یا اختیاری است، یا قهری) و مصادیق هریک از این دو نوع در مواد ۵۷۳ و ۵۷۴ قانون مذکور، مشخص شده است. بدین ترتیب قانونگذار به نوع دیگری از شرکت، که به حکم قانون ایجاد می شود و اراده بدون حکم قانون در آن نقشی ندارد، توجه نکرده است. نمی توان با تقسیم بندی شرکت به شرکتهای مدنی و تجارتي، این اشکال اساسی را از نظر انداخت که به هر حال شرکت از لحاظ مبنایی برای تشکیل به یک یا دو مورد از سه عامل عمده نیاز دارد: اراده، امور قهری و حکم قانون. بهتر بود قانونگذار در کنار اراده به عامل سوم نیز توجه می کرد و سپس برای تبیین قواعد خاص آن به قانون دیگر ارجاع می داد. چرا که به هر حال حتا شرکت تجارتي که تشکیل، اداره، انحلال و تصفیه امور آن قواعد خاص خودش را دارد، به طور مطلق بی نیاز از قواعد عام حقوق مدنی نیست. با وجود این، در حقوق ایران و بیشتر کشورهای انوعی از شرکتهای، پس از اراده اولیه به حکم قانون ایجاد و منعقد می گردد، مانند شرکتهای تجارتي.

۲-۱ تعریف شرکت تجارتي

در قانون تجارت ایران، بر خلاف قانون مدنی تعریفی از شرکت تجارتي دیده نمی شود. دکتر حسن ستوده شرکت تجارتي را چنین تعریف می کند: «شرکت تجارتي اصولاً عبارت است از اینکه چند نفر مالی را برای تجارت و استفاده از منافع آن در میان گذارند.» (ستوده تهراني، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳).

دکتر ربیعا اسکینی، شرکت تجارتي را قراردادی می داند «که به موجب آن یک یا چند نفر توافق می کنند سرمایه مستقلى را که از جمع آورده های آنها تشکیل می شود ایجاد کنند و به مؤسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد، اختصاص دهند و در منافع و زیانهای احتمالی حاصل از بکارگیری سرمایه سهیم شوند.» (اسکینی، ۱۳۷۵، ص ۱۷).

یکی از اشکالهایی که دکتر محمد رضا پاسبان به تعریف بالا می گیرد، این است که با توجه به اشاره نویسنده مزبور به لزوم وجود حداقل دو نفر در تشکیل شرکت در بحث خصایص شرکت تجارتي، به نظر می رسد

ذکر عبارت (یک یا چند نفر) بایستی ناشی از مسامحه بوده و یا اینکه ناظر به شرکت‌های یک نفره در حقوق اروپایی باشد (پاسبان، ۱۳۸۵، ص ۵۶).

۳-۱ فلسفه تشکیل شرکت تجاری

از یک منظر، فلسفه تشکیل شرکت که بیشتر در بردارنده مفهوم مدنی شرکت است، برمی گردد به اولین اقدام بشر در تشریک منافع و حقوق برای کسب سود، اما مهمترین فلسفه تشکیل شرکت در همه دوران، تضمین و امنیت سرمایه است.

آقای میکا والتاری نویسنده فنلاندی با الهام از منبعی باستانی، نقل قولی از یک پزشک مصری در حدود ۱۳۵۰ ق.م آورده و وضعیت سرمایه گذاری در امر کشتیرانی بین سوریه و مصر را مقایسه کرده است. پزشک مذکور ضمن بیان اینکه در سوریه شرکتهایی بوده که سرمایه آن به قسمتهای کوچک تقسیم می شده است، در توجیه فواید سرمایه گذاری در این گونه شرکتهای باستانی می گوید: «فواید به کار انداختن سرمایه من در شرکتها این بود که هرگز در خانه ام زر و سیم فراوان وجود نداشت تا دزدها به طمع بیفتند و به قصد سرقت آمده و مرا به قتل برسانند.» (مهاجریان، ۱۳۷۳، ص ۲۵۸).

بنابراین اولین و تاریخی ترین فلسفه وجود شرکت، ایجاد امنیت در سرمایه و ثروت است که پس از قرن‌ها به عنوان مهمترین فلسفه وجودی شرکتهای تجاری قابل استناد است، چرا که امروزه نیز هدف از ایجاد شرکت جمع سرمایه‌های کوچک برای اعمال تجاری بزرگ، بدون ایجاد مسؤلیت برای سرمایه گذار کوچک است.

در یک جامعه تعداد زیادی از مردم سرمایه‌های کوچکی در دست دارند که مایلند آن سرمایه‌ها را در محل مناسبی به کاراندازند. این گونه افراد به هیچ وجه حاضر نیستند، اموال دیگر مثل خانه، اتومبیل و وسایل مورد نظرشان به خاطر این گونه سرمایه گذاری در معرض خطر قرار گیرد.

از طرف دیگر دولت نه می تواند و نه باید در امور اقتصادی و تجاری به طور جامع دخالت کند. وظیفه نظارت از دولت سلب نمی شود، ولی این مردم هستند که گردانندگان واقعی تجارت یک کشورند. بدیهی است، سرمایه‌های کوچک و غیرضروری در جامعه فراوان است که اگر جمع شود تبدیل به سرمایه‌های کلان می شود.

حاصل جمع این سرمایه‌های کوچک، شرکتهای تجارتي است و شرط عمده آن این است که سرمایه گذار مسؤولیت بدهیهای شرکت را نداشته باشد.

لذا دو وجه عمده در فلسفه تشکیل شرکت های تجارتي دیده می شود:

۱- ضرورت تجميع سرمایه های خرد برای شکوفایی اقتصادی

۲- ایجاد امنیت و احساس مسؤولیت محدود توسط سرمایه گذاران

اگر به این دو عامل عمده توجه کنیم، متوجه می شویم که تمام شرکتهای تجارتي یا دربردارنده هر دو عامل بالا هستند، یا با پیروی از آنها تشکیل شده اند. شرکتهای تضامنی برآمده از عامل اولند که احساس مسؤولیت محدود در آنها برای شریکان معنایی ندارد. اما فلسفه وجودی شرکتهای سهامی، هر دو عامل است.

حال، آیا می توان شرکتي تشکیل داد که فقط عامل مسؤولیت محدود را مدنظر قرار بدهد و نیازی به تجميع سرمایه های خرد برای شکوفایی اقتصادی نداشته باشد؟

آشکار است که در دنیای کنونی، بر خلاف گذشته، اشخاص و افراد به تنهایی سرمایه های کلانی دارند که خواهان به کار انداختن آن در بازارهای اقتصاد آزادند. در عین حال، همان خطرهایی که افراد را به تشکیل شرکتهای سوق می دهند، متوجه سرمایه های کلان آنها نیز خواهد بود. در واقع سرمایه یک شخص ممکن است به جایی برسد که دیگر نیازی به مشارکت با دیگر سرمایه گذاران نداشته باشد، اما برای احساس امنیت در مورد تمام سرمایه خود، هنوز نیاز به حمایت دارد. در حقیقت نیاز دارد تا مسؤولیت او محدود به سرمایه یی شود که آن را به بازار آزاد آورده است، بنابراین به منظور راهبری این گونه سرمایه ها، بعضی کشورها اقدام به وضع شرکتهای یک نفره^۳ کرده اند.

³ -One Man Company

۴-۱ ماهیت حقوقی شرکت تجاری

نویسندگان حقوق تجارت براساس تعریف هایی که از شرکت تجاری آورده‌اند، هر کدام ماهیت متفاوتی برای آن قایل شده‌اند. دکتر منصور صقری شرکت را «عهد»، دکتر حسین ستوده شرکت را «سازمان» و دکتر ربیعا اسکینی شرکت را «قرارداد» می‌دانند (اسکینی، پیشین، ص ۲۶).

اما به طور کلی در مورد ماهیت حقوقی شرکتهای تجاری دو نظریه عمده وجود دارد:

الف - نظریه قراردادی:

به موجب این نظریه شرکت چیزی، جز یک قرارداد نیست، چرا که قرارداد شرکت، روابط بین شرکا را تنظیم می‌کند و در روابط میان شرکاء در اغلب موارد، قرارداد شرکت بر مقررات قانون تجارت ارجح است (خزاعی، ۱۳۸۵، ص ۲۴-۲۳).

براساس ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه «شرکت عبارت است از قراردادی که به موجب آن دو یا چند نفر متعهد می‌شوند شیبی را در شرکت بگذارند به این قصد که منافع حاصل از آن را بین خود تقسیم نمایند.» (همان، ص ۳۲). براین اساس برای تاسیس یک شرکت دو یا چند نفر توافق بر تاسیس آن می‌نمایند. این توافق باید در طول حیات شرکت ادامه داشته‌باشد و توسط شخص حقیقی اظهار شود. (مهاجریان، پیشین، ص ۲۵۶-۲۵۵) مطابق این نظریه تشکیل شرکت با عضو واحد امکان‌پذیر نیست و ماهیت حقوقی این نهاد با ماهیت حقوقی شرکت تجاری ناسازگار است.

ب- نظریه سازمانی:

براساس این نظریه شرکت یک تاسیس حقوقی است. در آن اصل بر حاکمیت مقررات و قواعد آمره قانونی است و آزادی افراد و توافق اراده آنها تا میزانی که با حداقل های مقرر در قانون مطابقت داشته باشد، لازم الاجراست و آلا تخطی از قواعد آمره شرکت را بی اعتبار می‌کند.

در این نظریه، شرکت تجاری به صرف قرارداد طرف ها تشکیل نمی‌شود، بلکه تشکیل آن بسته به یک سلسله اقدامات خارج قرارداد است که توسط قانونگذار تعیین می‌شود، برای مثال در شرکتهای تضامنی شرط

تشکیل، تادیه سرمایه نقدی و تقویم و تسلیم سرمایه غیر نقدی است. همین مفهوم در مورد شرکت‌های سهامی صدق می‌کند که قانونگذار مقررات حقوقی و مالی خاصی بر آنها حاکم کرده است و عدم رعایت آنها گاهی موجب انحلال شرکت یا بی‌اعتباری تصمیم‌های شریکان می‌شود.

براساس نظریه دیوان عالی کشور، ایالات متحده آمریکا «شرکت تجارتي واحدی است مجازی، غیر قابل دیدن و غیر قابل لمس که به اعتبار قانون وجود و حیات می‌یابد. شرکت موجودی است که صرفاً قانون خالق آن می‌باشد.» (تفرشی، ۱۳۷۸، ص ۶۲) در واقع طبق این دیدگاه شرکت شخصی مجازی، قانونمند، ابدی و دارای خصوصیت فردی است.

به موجب این نظریه هم امکان تشکیل شرکت با عضو واحد و هم امکان اداره شرکت بدین شکل وجود دارد، چرا که در مرحله تشکیل آنچه که به شرکت اعتبار می‌دهد، حکم قانون است و قانون می‌تواند تشکیل شرکتهای با عضو واحد را وضع و پیش‌بینی کند، همچنان که در بسیاری از کشورهای اروپایی قانونها، چنین شرکتهایی را به رسمیت شناخته‌اند. در مرحله اداره نیز حتا به فرض عدم پیش‌بینی قانون چون پس از تاسیس، شرکت تجارتي از قواعد و مقرراتی پیروی می‌کند که با اصول قرارداد مابینت دارد و اراده افراد و قرارداد بین آنها برای اداره شرکت ضروری نیست، لذا با پیدا کردن شخصیت حقوقی، دیگر تابع حکم قانون است. امروزه براساس بسیاری از قانونها چنانچه به هر دلیل شرکت پس از تاسیس تک عضوی شود، امکان ادامه حیات آن وجود دارد، به طور مثال در ماده ۱ قانون شرکتهای تجاری ۱۹۸۵ انگلیس، پیش‌بینی شده «هرگاه، یک شرکت تجارتي بدون اینکه حداقل دو شریک داشته باشد، بیش از شش ماه به فعالیت خود ادامه دهد، تنها شریک باقیمانده، در طول دوره پس از مدت مذکور که می‌داند آن شرکت با خود او به‌عنوان تنها شریک شرکت به فعالیت خود ادامه می‌دهد، برای دیون ناشی از قراردادهای آن شرکت در طول دوره یاد شده، با شرکت مسؤولیت تضامنی دارد. این وضع ممکن است ناشی از فوت اعضا و عدم عضویت قائم مقام شرکای متوفی به‌جای آنان در شرکت یا در اثر انتقال سهام سایر شرکا به یک شریک باشد... به‌رحال مسؤولیت قانونی به تنها شریک باقیمانده تحمیل می‌شود.» (اسکینی، پیشین، ص ۲۷).

ملاحظه می‌شود که ماده مذکور از نظریه سازمانی یا شخصیت حقوقی تبعیت کرده و ادامه حیات یک شرکت را با یک عضو به رسمیت شناخته است. در واقع نظریه مذکور مبتنی بر شناسایی شخصیت حقوقی برای

شرکت تجارتي به موجب حکم قانون است و این امر به ویژه در مورد شرکتهای تک نفره مصداق دارد (پاسبان، پیشین، ص ۵۱).

در واقع امروزه شرکتهای تجارتي، دیگر محوری ترین عنصر تعریف سنتی خود یعنی مشارکت و توافق اراده شرکا را در خود ندارند و مفهوم و تعریف شرکت در حال دگرگونی است. این دگرگونی با توجه به پذیرش شرکتهای یک نفره به ویژه در کشورهای عضو اتحادیه اروپا ملموس و قابل توجه است. براساس نظریه سازمانی، قانونگذار برای شرکتهای تجارتي، استقلال قایل شده و دیگر آن را تابع اراده طرفین و قرارداد آنها نمی داند و آنها را به عنوان موسسه معرفی می نماید. (ستوده تهرانی، پیشین، ص ۱۴۳)، چراکه به محض انجام تشریفات و ثبت یک شرکت، قانونگذار برای آن شخصیتی جدید به نام «شخصیت حقوقی مستقل از اعضا یا عضو آن» در نظر می گیرد که حقوق، وظایف و اموال مخصوص به خودش را دارد و سازمانی مستقل از اموال و دارایی های اعضا است. در واقع به حکم قانون اصل بر استقلال اموال شرکت قرار می گیرد و با ایجاد شخصیت حقوقی به موجب قانون اصول و قواعد شرکتهای تجارتي از جنبه قراردادی دور شده و مقررات قانون، بقا و زندگانی شرکت های تجارتي را تابع شرایط مخصوص می سازد.

این موضوع درباره شرکتهای ملی شده^۴ بیشتر واضح است، زیرا در این نوع شرکتهای شرکایی وجود ندارند که اراده خود را ابراز کنند. (ستوده تهرانی، پیشین، ص ۱۴۳) در واقع اصل شخصیت حقوقی، جنبه قراردادی شرکت را از بین می برد. از این روی نظریه سازمانی یا شخصیت حقوقی در دنیای کنونی از قدرت و برتری برخوردار است.

شخصیت حقوقی وقتی به فلسفه وجودی خود که تعدد دارایی برای شخص انسانی است، پاسخ کامل می - دهد که فارغ از دغدغه شریک با شخص واحد قابل تشکیل باشد که در حقوق اروپایی تارسیدن به این کمال راه درازی طی شده است و در اوضاع کنونی، کشورهای اروپایی وجود شرکت با شخص واحد را به رسمیت شناخته اند. (خزاعی، پیشین، ص ۳۳)

این درحالی است که در حقوق ما با دیده تردید به شرکتهای تک نفره یا با عضو واحد نگاه می شود و حتا در مرحله اداره نیز به رسمیت شناخته نمی شود و با عضو واحد شدن شرکت را موجب انحلال آن می دانند. اما با

4- Nationalisees

ارزیابی ماهیت شخصیت حقوقی می توان به تردیدها پایان داد.

۵-۱ ماهیت شخصیت حقوقی

در پاسخ به تناقضی که در عنوان «شرکت با عضو واحد» وجود دارد بایست به مساله شخصیت حقوقی مراجعه کرد. پرسش اساسی در این باره، این است که آیا یک انسان (شخص حقیقی) می تواند علاوه بر شخصیت حقیقی خود، واجد یک شخصیت حقوقی نیز باشد؟ یعنی علاوه بر یک شخص حقیقی، یک شخص حقوقی هم به حساب آید؟ یا اینکه جمع بین آنها امکان پذیر نیست؟ شخصیت حقوقی عبارت است از صلاحیت و قابلیت که شارع یا خردمندان (قانونگذار) برای غیر شخص حقیقی فرض و اعتبار می کنند تا به موجب آن وصف، این موضوعات (موضوعاتی غیر از شخص حقیقی) بتوانند صاحب حقوق و تکالیف گردند. (صفار، ۱۳۷۳، ص ۸۳)

اما آیا برای شخص حقیقی نیز می توان شخصیت حقوقی در نظر گرفت؟ مگر انسان زنده دارای حیات طبیعی و مستقل، به خودی خود واجد صلاحیت و قابلیت برخوردار از حقوق و تکالیف نیست؟

برای پاسخ به این سوال، بایست به عناصر و عوامل ایجاد یک شخصیت حقوقی پی برد. اما قبل از آن بایست پذیرفت که شخصیت حقوقی یک عنوان اعتباری است که به موجودات داده می شود و انسان به عنوان تنها مصداق شخص حقیقی موجودی است که می تواند موضوع این عنوان اعتباری قرار گیرد، بنابراین اجتماع این دو نوع شخصیت (حقیقی و حقوقی) در مورد انسان زنده دارای حیات مستقل که واجد شخصیت حقیقی است، نه تنها معقول، بلکه عملی و امکان پذیر است. (همانجا)

به طور مثال انسان می تواند با وقف، بخشی از دارایی خود را از بخش دیگر دارایی خود تفکیک و تجزیه کند و برای بخش اول دارایی با عقد وقف، شخصیت حقوقی ایجاد کند. در واقع واقف نسبت به بخشی از دارایی خود شخصی حقیقی و نسبت به بخشی دیگر شخص حقوقی محسوب می شود.

برای ایجاد یک شخصیت حقوقی سه عامل مشترک لازم است:

۱- وجود یک موضوع که عنوان شخصیت حقوقی بر آن یاد شود. از آنجا که شخصیت حقوقی یک عنوان اعتباری است، موضوعات مختلفی از جمله شخص حقیقی می تواند موضوع آن باشد و

نمی‌توان موضوع شخص حقوقی را به دسته‌ای از اشخاص حقیقی اختصاص داد، بلکه ممکن است شخص واحد حقیقی نیز واجد این عنوان اعتباری گردد.

۲- وجود مصالح و منافع ضروری و هدف مشروع

۳- اراده معتبر که عنوان اعتباری شخصیت حقوقی را بر موضوع مذکور اعتبار کند، مانند قانونگذار یا شارع.

ملاحظه می‌شود که سه عامل مذکور هیچ‌گونه منافاتی با قائل شدن شخصیت حقوقی برای یک شخص حقیقی ندارد و تشکیل شرکت با عضو واحد به عنوان یک شخصیت حقوقی که اراده قانونگذار با هدف جذب سرمایه‌های کلان اشخاص حقیقی، آن را شناسایی می‌کند، منطبق با نظریه شخصیت حقوقی و قابل تحقق است. از طرفی وقتی که یک فرد انسانی در قالب شرکت با عضو واحد دارای شخصیت حقوقی می‌شود، به نحوی که می‌تواند بخشی از دارایی خود را موضوع آن شخصیت قرار دهد، پس به طریق سزاوارتر اشخاص حقوقی هم می‌توانند به تنهایی به عنوان یک عضو، شرکتی با عضو واحد ایجاد کنند.

در حقیقت ماهیت حقوقی شرکت با عضو واحد، مبتنی بر ماهیت حقوقی شخصیت حقوقی است و برای همین ارکان آن شرکت با ارکان سنتی دیگر شرکتهای مدنی و تجارتي متفاوت است و می‌توان گفت که کاربرد کلمه (شرکت) برای شرکت مذکور، حکایتگر یک شخص حقوقی و اعتباری است و معنای اصطلاحی و لغوی خود در حقوق سنتی ما را از دست داده است و بیشتر به عنوان یک (موسسه) قابل شناسایی است. موسسه‌ای که به حکم قانون احکام شرکتهای تجارتي بر آن حکم می‌کند و هدفش کسب سود و منفعت در چارچوب قواعد تجارتي با امکان تبدیل شدن به دیگر شرکتهای تجارتي است.

هر چند دیگر قرارداد به عنوان مبنای تشکیل شرکت با عضو واحد جایگاهی ندارد، اما دلیل نمی‌شود که شرکت با عضو واحد، به طور کلی با مبانی حقوقی قواعد سنتی فقه و حقوق ما ناسازگار باشد، چرا که در قواعد فقه اسلامی و (حقوق موضوعه) ما نهادهایی به عنوان شخصیت حقوقی یک انسان شناسایی شده‌اند که به طور کامل با ماهیت حقوقی شرکت با عضو واحد منطبقند. نهادهایی که شخص حقیقی را به دو اعتبار، واجد صلاحیت می‌کند، یکی به اعتبار انسان بودن و شخصیت حقیقی آن و دیگری به اعتبار شخصیت حقوقی انسان. پذیرش تئوری (ذمه) در فقه اسلامی آن طور که دکتر محمد جواد صفار در کتاب شخصیت حقوقی مطرح فرموده‌اند حکایت از شناسایی شخصیت حقوقی برای اشخاص حقیقی در اسلام است. چنانکه دکتر سنه‌وری در مورد (ذمه) می‌گوید: «در فقه

اسلامی، ذمه عبارت از وصف شرعی است که شارع وجود آن را در مورد شخص آدمی فرض و اعتبار می کند.» (صفار، پیشین، ص ۸۵)

پذیرش استقلال دارایی شخص از سوی شارع برای یک شخص حقیقی که قدرت دارا شدن حقیقی را ندارد، شناسایی شخصیت حقوقی برای اوست. همان طور که در تبصره ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی برای یک میت شخصیت حقوقی قایل شده و عنوان داشته: «دیه مذکور در این ماده به عنوان میراث به وارث نمی رسد، بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می گردد و در راههای خیر صرف می شود.»

جمهور فقیهان شیعه، ارزشی که برای انسان آزاد زنده قایل اند، برای پس از مرگ او نیز قایل می شوند. همچنان که این اهمیت را وقتی در شکم مادر جنینی بیش نبود، قائل بودند. در اعتقاد فقهای شیعه آنچه از زنده حرام است از انسان مرده نیز حرام است، «أَنَّ حُرْمَةَ الْمَيِّتِ كَحُرْمَةِ الْحَيِّ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ص ۷۴). برخی تعیین دیه برای شخص میت را نوعی مجازات و برخی نوعی جبران خسارت دانسته اند. اما با توجه به اینکه قانونگذار و فقیهان شیعه، بر اساس روایات متعدد، حکم به تعلق دیه به میت داده اند، بنابراین نمی توان ماهیت آن را جبران خسارت دانست. در روایتی امام جعفر صادق (ع) فرمود: «علت اینکه تعیین صد دینار برای میت شده این است که مرده مانند جنینی است که روح در او دمیده نشده است.» (آقای، ۱۳۸۵، ص ۷۳). بنابراین همان طور که شارع برای جنین شخصیت حقوقی قایل است، برای میت نیز شخصیت حقوقی قایل است. در واقع وقتی شارع برای یک میت شخصیت حقوقی قایل می شود، به طور حتم، در فقه اسلامی پذیرش شخصیت حقوقی برای یک انسان زنده، به طور کامل بدیهی به نظر می آید.

در مساله وقف فقیهان اسلام، آنچه را که در نوشته های خود با عنوان وقف، ساخته و پرورش داده اند، یک سازمان حقوقی شخص گونه است، که چیزی از یک شخصیت حقوقی کم ندارد. موجودی که دارای نام و بودجه خاصی است، به وسیله مدیری به نام متولی اداره می شود، رقبات وقف دارایی او را تشکیل می دهد که ممکن است مورد اجاره یا فروش قرار گیرد و در نتیجه، وقف طرف قرارداد واقع شود، طلبکار یا بدهکار گردد، خواهان و یا خواننده واقع شود و به حیات خود ادامه دهد، در حالی که وجودی مستقل از واقف و داراییهای شخصی او دارد و حتا پس از مرگ واقف به زندگی خود ادامه می دهد، یعنی وجودی نسبتاً دایمی دارد (صفار، پیشین، ص ۲۰۷). به همین دلیل قانونگذار ایران به موجب ماده ۳ (قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۶/۱۰/۶۳) که به تایید شورای نگهبان رسیده است، اعلام می دارد «هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است...» پس

وقف و موقوفه از لحاظ ماهیت حقوقی، به طور دقیق، توجیه کننده مبنای فقهی و حقوقی شرکت با عضو واحد است، چراکه تایید شورای نگهبان دلیل بر شرعی بودن و شناسایی شخصیت حقوقی برای یک شخص حقیقی در اسلام است.

مبنای فکری نپذیرفتن شرکت با عضو واحد، تعدد اموال و دارایی است، به نحوی که می گویند، هر کس با تمام دارایی و اموال خود مسؤول پرداخت دیون و تعهدات مالی خود است و نمی تواند قسمتی از دارایی خود را برای دسته معینی از معاملات اختصاص دهد و از دسترسی طلبکاران دورسازد.

این مبنا با واقعیت منطبق نیست، زیرا با پذیرش تئوری شخصیت حقوقی در کشور ما هر شخص حقیقی می تواند، مطابق مقررات حقوقی با تجزیه و تفکیک دارایی خود، شخص حقوقی ایجاد کند. چنانکه واقف با اختصاص بخشی از دارایی خود به هدف خیر می تواند شخصیت حقوقی به نام موقوفه ایجاد کند. پس اگر تئوری شخصیت حقوقی در توجیه ماهیت شرکت سهامی تجارتي پذیرفته شود - که همین تئوری مورد قبول غالب نویسندگان نیز می باشد (صفار، پیشین، ص ۱۷۳). - این سؤال مطرح می شود که چرا در حقوق ایران یک شخص نتواند با تفکیک دارایی خود و اختصاص آن به فعالیتهای تجاری شخصیت حقوقی به نام «شرکت» ایجاد کند؟

در واقع در صورتی که ماهیت شرکت را شخص حقوقی بدانیم با قبول شخصیت حقوقی وقف، که از اختصاص دارایی به هدف خیر ایجاد شده است، می توان شرکت با شخص واحد را نیز در حقوق ایران مطابق با قاعده دانست. نیاز ذاتی شخصیت حقوقی این نیست که برای تشکیل آن وجود دو یا چند عضو ضرورت داشته باشد، به طور مثال در مادهی ۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷ در مورد شرکت های سهامی به صراحت وجود شعبه مستقل برای این شرکتها پیش بینی شده است. در بند ۴ مادهی مذکور قید شده که یکی از مواردی که ذکر آن در اساسنامه الزامی است، عبارت است از «مرکز اصلی شرکت و محل شعبه آن اگر تاسیس شعبه مورد نظر باشد». شعب این گونه شرکتها اگرچه شخصیت حقوقی مستقلی ندارند ولی همه امتیازات، حقوق و وظایف شخص حقوقی مستقل را دارا هستند. به عبارت دیگر شعبه شرکت، شرکت دیگری است که توسط شرکت های مادر تاسیس می شود و شریک دیگری ندارد (خزاعی، پیشین، ص ۳۴).

بنا به تحلیل های بالا، پذیرش تشکیل شرکت با عضو واحد و اداره آن در حقوق تجارت ایران از زمینه ها و مبانی آسان و سهلی برخوردار است. کشورهای توسعه یافته، مدت ها است که تشکیل چنین شرکتهایی را بر مبنای ماهیت شخصیت حقوقی پذیرفته اند و قدرتهای نوظهور اقتصادی نظیر هند و چین نیز در پی اصلاح قانون های

تجارتی خود، برای به رسمیت شناختن چنین شرکتهایی هستند. البته قانونگذار ایرانی نیز در صورت تصویب لایحه اصلاح قانون تجارت گام بلندی در پذیرش این گونه شرکتها در قالب شرکتهای با مسئولیت محدود خواهد برداشت.^۵

۲ دلایل موافقان و مخالفان شرکت با عضو واحد

بیشتر کشورهای دنیا سعی کرده‌اند، قانون‌ها و مقررات تجاری خود را محدود به دو نوع نهاد مشارکت تجاری^۶ و شرکت تجاری^۷ نمایند و از حضور شرکت‌های مختلف با مقررات کهنه و دست و پاگیر در قانون‌های خود جلوگیری کنند. قانونگذار ایران نیز از سالها پیش در این امر مستثنا نبوده است. میل به حذف قواعد سنتی شرکتها، یک تمایل عمومی است و کسی نمی‌تواند در دنیای رو به پیشرفت تجارت بر آن خط بطلان بکشد. اما نمی‌توان انکار کرد که هنوز در دنیای پیشرفته کنونی یک بیم و هراس عمومی در مورد شرکتهای تجاری وجود دارد که این مساله برمی‌گردد به همان نگاه و مشکلات سنتی که افراد در زمینه حقوق مدنی و تعهدات مالی داشته‌اند.

وقتی که شرکتهای تجاری واجد مسؤلیت نامحدودند، چون مطابق با قواعد سنتی بوده‌اند و طلبکاران می‌توانند، علاوه بر اموال شرکت به اموال و داراییهای شخصی شریکان رجوع کنند، هیچ گونه بیم و هراسی وجود ندارد،

به طور مثال، در شرکتهای اشخاص بستانکاران با مشکلی مواجه نیستند. ولی زمانی که بستانکارها با شرکتهای سرمایه و مسؤلیت محدود روبرو می‌شوند، ترس از عدم وصول دیون خود به لحاظ تفکیک و تجزیه دارایی شریکان، از دارایی و سرمایه شرکت ظاهر می‌شود.

۱- ماده ۷۳۹ پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت بیان می‌دارد: «شرکت با مسؤلیت محدود شرکتی است که به وسیله

یک یا چند شخص تشکیل گردیده و هر یک از شرکا نسبت به بدهی‌ها و تعهدات شرکت تا میزان سرمایه‌ای که در شرکت گذارده‌اند مسؤلیت خواهند داشت».

^۶- Campership

^۷- Corporation

پس آنچه اهمیت دارد، مساله مسؤولیت یا محدودیت مسؤولیت در شرکتهای تجارتي است. موضوع پر اهمیت مسؤولیت^۸، همچون ستاره درخشانی بر آسمان انواع شرکتهای می‌تابد. در واقع موسس یا موسسان، هر شرکت را بر اساس نوع مسؤولیت تشکیل و ثبت می‌کنند و تمام اشخاص عضو و غیر عضو نیز اولین توجه شان به نوع مسؤولیت شرکت است تا دیگر مقررات آن، زیرا به طور کل و تنها درجه وسعت یا عدم وسعت مسؤولیت در شرکتهای مبین واقعیت و ماهیت آنهاست. مشکلی که امروزه در کشورها در زمینه حقوق تجارت و به خصوص حقوق شرکتهای مطرح است، همان مشکلی است که بیشتر کشورهای صنعتی، قرنهای پیش و بعضی از کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین در حال حاضر با آن روبرو هستند، یعنی سو استفاده از قانون شرکتهای و کلاهبرداری با تاسیس یک شرکت با مسؤولیت محدود (مهاجریان، پیشین، ص ۴۹).

بی‌تردید پرکاربردترین شرکتهای، شرکتهایی هستند که در آنها مسؤولیت شریکان محدود است. در حقوق تجارتي ایران، شرکتهای سهامی و با مسؤولیت محدود بیشترین توجه افراد را برای تشکیل و ثبت به خود جلب می‌کنند. چون در آنها مسؤولیت شخص (عضو) محدود به سهام و سرمایه است و اگر قادر به پرداخت دیون خود نباشد، اعضای آن، مجبور به پرداخت دیون شرکت از دارایی خود نیستند.

از نگاه یک بستانکار شرکتهایی که واجد مسؤولیت محدودند، بسیار پر خطرند، چرا که فرد در قالب آنها می‌تواند معاملات و قراردادهای بسیار منعقد کند و اموال انبوه را ببرد، در حالی که مسؤولیت آن محدود به سرمایه یا سهامی است که در شرکت دارد. ولی از دیدگاه یک اقتصاددان یا تاجر، مسؤولیت محدود سرمایه‌گذاری در جامعه را تشویق می‌کند و شهامت و خطرپذیری را نهادینه می‌سازد. در واقع راههای تازه افزایش داد و ستد را می‌گشاید. و علاوه بر داشتن نفع شخصی مشوق تجارت و سرمایه‌گذاری است که برای سلامت اقتصاد جامعه یک ضرورت محسوب می‌شود.

بر مبنای همین دیدگاه‌ها تشکیل شرکت با عضو واحد مخالفان و موافقانی دارد که علت‌های مختلفی برای دیدگاه‌های خود می‌آورند. اما عمده دلیل این دو گروه همین مساله (مسؤولیت) است. آنچه که اهمیت دارد این است که اختلاف بر سر شناسایی این شرکتهای، بیشتر از آنکه به ماهیت حقوقی آن مربوط شود به آثار و نتایج حقوقی و اقتصادی آن بر می‌گردد. بنابر این تلاش می‌شود، در دو مبحث ذیل، دلایل مخالفان و موافقان بررسی و پاسخ مناسب برای آنها ارایه شود.

⁸ - Responsibility

۱-۲ مخالفان و دلایل آنها

همان طور که در بالا آمد ایجاد و اقدام به تقلب در زمینه حقوق شرکتهای، مشکل عمده اشخاص در ارتباط با معاملات و قراردادهایی است که با شرکتهای دارند. مهمترین دلایل مخالفان با تشکیل شرکت با عضو واحد، همین امر است که با تشکیل چنین شرکتهایی شخص می تواند اموال و دارایی خود را تجزیه و خطرهای ناشی از مسؤولیت، عدم مهارت در تجارت و کوتاهی در آن را به دیگر اشخاص جامعه تحمیل کند.

به طور قطع، در چنین اوضاعی بر خلاف هدف اصلی ایجاد شرکتهای با مسؤولیت محدود که تشویق سرمایه گذاری است، اشخاص به شرکتهای با عضو واحد بدین شده اند و اعتماد آنها سلب می شود و در نتیجه موجبات رکود اقتصادی فراهم می شود. مخالفان این شرکتهای، تشکیل آنها را، موجب بالا رفتن ضریب خطرپذیری فعالیت های اقتصادی و تقلب نسبت به قانون می دانند. اگر قرار باشد، هر شخص حقیقی بتواند اموال و دارایی خود را تجزیه و تفکیک کند و مسؤولیت آن در مقابل دیگران نامحدود نباشد، دیگر فردی با وی معامله نمی کند. اما وحدت دارایی و مسؤولیت نامحدود موجب تمایل عمومی به انجام معاملات با دیگران می شود، چرا که تجار، خطر فعالیت های خود را از محل دارایی خود جبران می کنند. تصور کنیم که تمام افراد جامعه، درصدد تشکیل چنین شرکتهایی برآیند، دیگر هیچ کس نسبت به دیون خود با تمام دارایی و اموال خود، مسؤولیت ندارد. به همین دلیل مخالفان معتقدند به رسمیت شناختن این شرکتهای منطبق با منافع اقتصادی و تجارتي نیست. اما موافقان با این شرکت دلایل دیگری ارایه می کنند که در پاسخ به اشکال های مخالفان واقع گرایانه تر به نظر می رسد.

۲-۲ موافقان و دلایل آنها

شرکت با عضو واحد بارزترین نمونه مسؤولیت محدود می تواند باشد. در این شرکت مسؤولیت محدود به حداقل ممکن می رسد. موافقان این مسأله را نقص یا عیبی برای شرکت با عضو واحد نمی دانند. آنها نیمه دیگر لیوان را نیز در نظر می گیرند. اگر تاجر یقین داشته باشد که با ورود وی در شرکت با شخص واحد در بدترین حالت فقط آنچه که در شرکت سرمایه گذاری کرده و اختصاص به امر شرکت و تجارت داده است، به خطر می افتد و نه سایر دارایی های او، در سرمایه گذاری بیمی به خود راه نمی دهد و هیچگونه توسل به راه های غیر قانونی برای نجات از مسؤولیت در مقابل طلبکاران نمی نماید. سرمایه اندک او منتج به سرمایه بزرگ و امور تجارتي مهم تر و در نتیجه

پاسخگویی بهتر به طرفهای قرارداد می‌گردد. ضمن آنکه با تشکیل این شرکت می‌تواند امور را به شکل قانونی به مدیر و متخصص بسپارد و ریسک ضرردهی را به حداقل برساند. در واقع تاجری که سرمایه‌های دیگرش را در امنیت ببیند، جرأت سرمایه‌گذاری بیشتری پیدا می‌کند.

از طرفی اقدام به کلاهبرداری و تقلب نسبت به قانون مساله‌ای نیست که خاص شرکت با عضو واحد یا دیگر شرکتهای با مسئولیت محدود باشد. وانگهی در صورت احراز کلاهبرداری و تقلب، دیگر مسئولیت محدود مطرح نیست و کلیه اقدامات فرد یا شخص واحد که مبادرت به تشکیل شرکت کرده است، باطل و مسئولیت، متوجه تمام اموال او می‌شود. همچنین قانونگذاری که تشکیل شرکت با عضو واحد را به رسمیت می‌شناسد، می‌تواند مقررات جزایی لازم برای ضمانت اجرای آن وضع کند. همان‌طور که قانون تجارت ایران در لایحه قانونی سال ۱۳۴۷ از ماده ۲۴۳ تا ۲۶۹ مقررات جزایی شدیدی برای جلوگیری از کلاهبرداری و تقلب در شرکتهای سهامی که به نوعی با مسئولیت محدود محسوب می‌شوند، وضع کرده و در ماده ۲۷۳ همان قانون، مسئولیت شرکت و شخصی که اقدام او موجب بطلان شرکت یا مصوبات آن شده است را مسئولیت تضامنی دانسته است. پس در مورد شرکتهای با عضو واحد بسیار راحت‌تر، می‌توان چنین ضمانت‌اجراهایی را در نظر گرفت و اعمال کرد. کما اینکه در ماده ۷۴۴ پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت مجازات حبس و محرومیت شدیدی برای موسسان و مدیران متقلب در شرکت تک نفره پیش‌بینی کرده است.

ضمن آنکه مسئولیت محدود خاص شرکت با عضو واحد نیست و پرتعدادترین شرکتهای شرکتهایی هستند که مسئولیت در آنها محدود است و یکی از راههای جلوگیری از سواستفاده در طرز تفکر مسئولیت محدود، ثبت شرکت و اعلان آن است. به نحوی که اشخاص جامعه از وجود شرکتهای با عضو واحد که مسئولیت محدود دارد به راحتی مطلع می‌شوند و در انعقاد معاملات خود، رعایت نکات لازم را برای جلوگیری از تقلب و کلاهبرداری می‌کنند و این موضوع نه تنها باعث رکود اقتصادی نمی‌شود، بلکه شفاف‌سازی اقتصادی را که خود یکی از مبانی رشد اقتصادی است، به دنبال دارد. مواد ۷۴۰، ۷۴۳، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۳، ۷۵۴ و ۷۵۸ پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت دربردارنده راهکارهای موثر جهت شفاف‌سازی امور شرکتهای با عضو واحد است که به حال اشخاص ثالث بسیار مفید واقع می‌شود.

گذشته از این، شرکت با عضو واحد، مانع تشکیل شرکتهای صورتی می‌شود که در واقع یک عضو دارد، اما با معرفی چند عضو ثبت می‌شود. این اقدام صورتی علاوه بر اینکه موجب بروز اختلافات حقوقی فراوانی می‌شود،

شفاف‌سازی اقتصادی را به حداقل ممکن می‌رساند. اما در شرکت با عضو واحد، سرمایه‌دار از شخصیت حقوقی خود برای محدود سازی خطرهایی که متوجه سرمایه خود می‌شود، به طور شفاف استفاده می‌کند و همگان را مطلع می‌سازد که برای کار تجاری، نیازی به شریک ندارد و مسئولیت آن نیز در حد سرمایه یا سهام شرکت است. برای همین، کشورهای اروپایی برای جلوگیری از عدم شفافیت در امر تجارت قایل به تشکیل این گونه شرکتها شده‌اند. از دیرباز در کشورهای اروپایی برای تشکیل شرکت با شخص واحد شرایطی وجود داشته است. در کشورهای انگلستان و ایالات متحده آمریکا^۹ و در فرانسه^{۱۰} اجازه تاسیس شرکت به شخص واحد داده شده است. در حالی که در ایران برای رسیدن به هدف، از حيله به قانون استفاده شده است، به این ترتیب که پدر خانواده به نام خود و همسر و فرزند صغیر شرکتی صوری تاسیس و سپس با شخص حقوقی جدید، خود به تنهایی شرکت مورد نظر را تاسیس و تشکیل می‌دهد (خزاعی، پیشین، ص ۱۱۶-۱۱۵).

از طرف دیگر، اندیشه تشکیل شرکت با عضو واحد مصادیق زیادی در حقوق تجارت ما دارد و مسبق به سوابق قانونی متعددی است. طرفداران شرکت با عضو واحد، مصادیق متعددی از شرکتهای تجاری و شخصیتهای حقوقی با عضو واحد را به عنوان نمونه در حقوق ایران معرفی می‌کنند، که در مورد شعب شرکتهای سهامی یا وقف پیشتر توضیح داده شد. اما نمونه‌های قانونی دیگری نیز معرفی می‌کنند که به قرار ذیل می‌باشند:

الف - شرکت های دولتی

طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ « شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون ایجاد می‌شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح، ملی شده و یا مصادره شده و به‌عنوان شرکت دولتی شناخته شده‌باشد و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکتهای دولتی ایجاد شود. مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکتهای دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود.» شرکتهای دولتی نظیر: بانکهای دولتی، شرکت ملی نفت و شرکت بیمه ایران

ب- هبه یا صلح غیر معوض شرکت های دولتی به مؤسسات عمومی غیردولتی :

در بند ز ماده ۱۹ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ مجمع تشخیص

^۹ - One Man Corporation

^{۱۰} - Socite Unipersonnelle

مصلحت نظام پیشینی شده که «دولت می تواند نسبت به هبه و یا صلح غیر معوض شرکت های دولتی که غیر قابل عرضه در بورس باشند به مؤسسات عمومی غیر دولتی مشروط بر اینکه شرکت مورد واگذاری در چهارچوب وظایف مؤسسه مذکور باشد، تصمیم گیری نماید...»

ملاحظه می شود که در هر دو مورد فوق دولت و مؤسسات عمومی غیردولتی می توانند به تنهایی شرکتی را تشکیل یا اداره کنند. بنابراین این موارد از مصادیق بارز شرکت با عضو واحد محسوب می شوند.

ج- تجارت خانه:

در قانون تجارت از مواد ۳۹۵ تا ۴۰۱ نهادی به رسمیت شناخته شده به نام «تجارتخانه». سیاق وضع مواد قانونی مذکور دلالت بر شناسایی شخصیت حقوقی برای این نهاد تجارتي می کنند، چراکه در ماده ۳۹۵ از الزام آور بودن امضا قائم مقام برای تجارت خانه صحبت می کند. در ماده ۳۹۷ به عدم الزام تجارت خانه و در ماده ۴۰۱ به وکالت در امور تجارت خانه یا شعبه تجارت خانه اشاره می کنند. با توجه به ماده ۵۸۸ قانون تجارت که عنوان داشته «شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیف شود...» و نظریه مکلف و ملزم بودن تجارت خانه و اینکه امور تجارت خانه به صورت اعتباری اداره می شود، تجارت خانه واجد شخصیت حقوقی است. با این وجود تجارت خانه می تواند متعلق به یک شخصیت باشد، اعم از اینکه آن شخصیت یک شخص حقوقی باشد یا یک شخص حقیقی.

۳ شیوه های تحقق شرکت با عضو واحد

۳-۱ تأسیس شرکت با عضو واحد:

عناصر و عوامل سنتی تشکیل یک شرکت تجارتي در دکتترین حقوق تجارت عبارتند از:

- ۱- همکاری دو یا چند نفر (قرارداد شرکت)
- ۲- آوردن حصه (نقد، اموال، فعالیت و صنعت)
- ۳- مبادرت به عملیات و فعالیت اقتصادی و بازرگانی
- ۴- تقسیم سود و زیان و قصد انتفاع

شرکت با عضو واحد، به جز در عنصر اول در سه عنصر دیگر با دیگر شرکتهای تجارتي شباهت دارد و وجود هر کدام از این عناصر برای تشکیل آن الزامی و ضروری است. اما در مورد عنصر اول، همانطور که پیشتر آمد، در قانون مدنی ایران، شرکت شامل اجتماع حقوق مالکان است و در قانون تجارت در تمام شرکتهای به همکاری و مشارکت بیش از یک نفر تصریح شده است. پیشتر بیان شد که تشکیل شرکت با عضو واحد فرع بر وجود قرارداد نیست و با توجه به ماهیت شخصیت حقوقی امکان پذیر است و حتا اگر قایل به ضرورت اجتماع حقوق مالکان باشیم، می توان با پذیرش شخصیت حقوقی برای شخص حقیقی این اجتماع را تصور کرد، چراکه اجتماع اعم از این است که مالکیتهای جز با از دست دادن اصالت خود به اتحاد انجامد و وجود یگانه و جداگانه و مستقل بیابد یعنی شخصیت حقوقی پیدا کند یا به طور اشاعه در یک مال باقی بماند (صفرار، پیشین، ص ۱۷۳).

در واقع یک شخصیت حقوقی که به اعتبار قانون یا شرع ایجاد شده با شخص حقیقی، قرارداد اعتباری منعقد می کنند و امکان تشکیل شرکت با عضو واحد ایجاد می شود. همچنان که شرکتهای دولتی با یک عضو امکان تشکیل شدن را دارند، یا شرکتها و سازمانهای بزرگ برای توسعه امور مبادرت به تاسیس شرکتهای فرعی می کنند، مانند سازمان برنامه که برای تسهیل کار مبادرت به تاسیس شرکت های مختلف نموده بود. (ستوده تهرانی، پیشین، ص ۱۵۵)

در مورد تشکیل شرکتهای تجاری غیر دولتی، با قاطعیت می توان گفت که حقوق تجارت ایران تشکیل شرکت تجارت با عضو واحد را به رسمیت نشناخته و حداقل عضو برای تشکیل یک شرکت تجارتي مطابق قانون تجارت دو نفر است. با وجود این، مساله این است که آیا امکان دارد، یکی از شرکتهای تجارتي مذکور در قانون تجارت با یک عضو واحد ادامه حیات دهد؟

۲-۳ تبدیل شرکت های تجارتي به (شرکت با عضو واحد)

تبدیل شرکتهای تجارتي به شرکت با عضو واحد به دو صورت امکان دارد :

الف_ اختیاری ب_ قهری

الف - تبدیل اختیاری :

امکان کاهش اعضای شرکتهای تجارتي به يك عضو به شكل اختياري، يا از طريق انتقال سهم و سرمايه صورت مي گيرد يا از طريق استعفاي اعضا كه جهت سهولت تحليل مطالب در مورد هر يك از شركت هاي تجارتي موضوع بررسي مي شود:

۱- شرکتهای تعاونی :

در مورد شرکتهای تعاونی، قانونگذار در بند ۲ ماده ۵۴ قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰، به صراحت کاهش تعداد اعضا را از نصاب مقرر موجب انحلال دانسته است، اما مشروط بر آن که حداکثر ظرف مدت سه ماه تعداد اعضا به نصاب قانونی نرسد، بنابراین در باره شرکتهای تعاونی ادامه حیات شرکت با يك عضو به میزان سه ماه پیش بینی شده است و از طرف دیگر، بیان قانونگذار دلالت بر این دارد که انحلال شرکت به دلیل کاهش عضو نیاز به وضع قانون دارد و این حکم در مورد دیگر شرکتهای نیز جاری است.

۱- شرکتهای سهامی:

مطابق ماده ۳ لایحه قانونی سال ۱۳۴۷، در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد. اما در مواد ۳۹ تا ۴۱ به امکان انتقال سهام به ویژه سهام بی نام به خصوص در شرکت های سهامی عام اشاره شده است، به فرض اگر تمام سهام يك شرکت سهامی، به موجب تبصره ۱ ماده ۲۴ لایحه یادشده در بالا، بی نام و متعلق به سه نفر باشد و هر سه تصمیم به انتقال سهام خود به يك شخص کنند، اعم از اینکه آن شخص خارج از شرکت باشد یا جزو آن سه نفر، تکلیف شرکت سهامی چیست؟ آیا منحل خواهد شد یا شرکت به حیات خود ادامه خواهد داد؟ مطابق مواد ۱۹۹ و ۲۰۱ لایحه قانونی مذکور این فرض جزو هیچ کدام از موارد انحلال شرکت یا مواردی که هر ذی نفعی می تواند انحلال شرکت را بخواهد، نیست و به راحتی نمی توان پذیرفت که يك شخصیت حقوقی که حیات او ابدی است با انتقال سهام از بین برود، مگر آن که قانونگذاری که به شخصیت حقوقی اعتبار داده است، در چنین وضعی، اعتبار آن را سلب کند که در باره شرکتهای سهامی قانونگذار چنین مساله یی را پیش بینی نکرده است. لزوم بقای شرکت تجارتي، شخصیت حقوقی است و تا زمانی که پابرجاست، شرکت تجارتي به حیات خود ادامه می دهد و پایان شخصیت حقوقی نیاز به حکم قانون دارد. به نظر می رسد، آنچه که در ماده ۳ قانون آورده شده، ناظر به زمان تشکیل شرکت است و شامل تک عضوی شدن شرکت، پس از تشکیل نمی شود. اینکه بگوییم در این صورت مقررات مربوط به نصاب تشکیل جلسات، مصوبات مجامع عمومی و هیأت مدیر دلالت بر ضرورت چند عضوی

بودن شرکت سهامی در تمام مراحل آن می‌کند، با واقعیت منطبق نیست، چون حتّاً در فرض چند عضوی بودن شرکت سهامی، یک عضو می‌تواند به دلیل داشتن بیشترین سهام تنها عضو موثر و تصمیم‌گیرنده اصلی شرکت باشد و در عمل، شرکت را به یک شرکت تک‌عضوی تبدیل کند. عدم‌پیش‌بینی تک‌عضوی شدن یک شخصیت حقوقی در قانون، دلیل بر تجویز انحلال آن نمی‌تواند باشد، چون پس از تاسیس و ثبت دیگر مبنای وجودی یک شرکت قرارداد نیست، بلکه شخصیت حقوقی آن است.

البته اداره کل حقوقی و تدوین قانون‌های (قوة قضاییه) در نظریه مشورتی شماره (۱۳۷۳/۶/۳-۷/۲۳۷۲) معتقد است که خرید صددرصد سهام شرکت سهامی عام یا خاص توسط شخص حقیقی یا حقوقی واحد، موجب خروج شرکت خریداری‌شده از دایره شمول و حکومت مقررات حاکم بر شرکتهای سهامی می‌شود. اما اداره کل مذکور استدلال نکرده است که نخست بر چه اساسی شرکت از شمول مقررات حاکم بر شرکتهای سهامی خارج می‌شود. دوم اینکه در صورت خروج چه مقرراتی بر آن حاکم می‌شود. به هر حال مطابق مدلول و مفهوم این نظریه، قدر متیقن ادامه حیات شرکت با یک عضو است (ستوده تهرانی، پیشین، ص ۱۵۵).

۳- شرکتهای با مسؤولیت محدود:

مطابق ماده ۹۴ قانون تجارت حداقل عضو جهت تشکیل شرکت با مسؤولیت محدود دو نفر است. حال اگر وفق ماده ۱۰۲ قانون تجارت، دو نفر مذکور سهام خود را به یک شخص واحد انتقال دهند یا یکی (سهم‌الشرکه) دیگری را بخرد، وضعیت شرکت با مسؤولیت محدود چه می‌شود؟ موارد انحلال شرکت در ماده ۱۱۴ ذکر شده و از آنجایی که قانونگذار در مقام بیان بوده است، اگر (تک‌عضوی شدن) شرکت با مسؤولیت محدود که فقط با وجود دو نفر قابل تشکیل است، موجب انحلال شرکت می‌شد، آن را جزو موجبات انحلال، قید می‌کرد. اما ذکر از آن به میان نیاورده است و دلیلی نیز وجود ندارد که شخصیت حقوقی شرکت با تک‌عضوی شدن آن زایل شود و حیات آن به پایان برسد، بنابراین درباره این نوع شرکت نیز اداره شرکت و ادامه حیات آن با یک‌عضو قابل‌تصور است و مقررات صریحی در مورد انحلال شرکت یا تغییر ماهیت آن به شرکت دیگر وجود ندارد.

۴- شرکت تضامنی:

حداقل عضو برای تشکیل شرکت تضامنی دو نفر است، اما اگر به موجب ماده ۱۲۳ قانون تجارت با رضایت تمام شرکا سهم آنها به یک شخص واحد - خارج یا داخل شرکت - منتقل شود آیا موجب انحلال شرکت است؟ در مورد این شرکت نیز قانونگذار موارد انحلال را در ماده ۱۳۶ بیان نموده، اما ذکری از تک عضو شدن شرکت نکرده است.

در شرکت تضامنی مسئولیت تضامنی است، به فرض تک عضو شدن شرکت در صورت ادامه فعالیت، تمام مسئولیت بر عهده عضو واحد و شرکت به طور تضامنی است. بنابراین، به نظر نمی‌رسد که ادامه حیات آن با وجود یک عضو به مانع قانونی برخورد کند.

۵- شرکت نسبی :

مقررات شرکت نسبی همچون شرکت تضامنی است به جز این که میزان مسئولیت متفاوت است. هر چند تشکیل شرکت با عضو واحد به صورت تضامنی و نسبی امری بی فایده می باشد، اما ادامه حیات آنها پس از تشکیل (بادو نفر عضو یا بیشتر) در وضعیتی که شرکت تک عضو می شود، به نظر امکان پذیر می آید و خروج اختیاری اعضا جزو موارد قانونی انحلال نیست.

۶- دیگر شرکتهای :

ماهیت شرکتهای مختلط سهامی و غیرسهامی نیازمند وجود شرکای متعدد است. بنابراین اگر عضوی از شرکت خارج شود و شرکت به حالت با عضو واحد در آید ماهیت خود را از دست می‌دهد. در شرکت مختلط غیرسهامی به موجب ماده ۱۴۵ قانون تجارت، در عمل اداره شرکت با یک شریک، صورت می‌گیرد. به هر حال در این شرکتهای، انتقال سهام به یک نفر، موجب تغییر ماهیت شرکت می شود، اما پذیرش انحلال شرکت بر خلاف نظریه شخصیت حقوقی است.

ب- تبدیل قهری :

از نظر برخی از بین رفتن شرکا به طریقی که کلیه سرمایه شرکت متعلق به یک نفر شود، از موارد انحلال قهری شرکت تجاری است. به نظر می‌رسد، هر چند که انحلال ممکن است قهری یا اختیاری باشد، اما موارد انحلال قهری یا اختیاری آن باید در قانون پیش‌بینی شده باشد و فوت تمام اعضا و باقی ماندن یک عضو یا تعلق تمام سرمایه

به یک عضو در اثر عامل قهری ارث، بدون حکم قانون، نمی‌تواند موجب انحلال محسوب شود. در مورد شرکت‌های سهامی، در مواد ۱۹۹ و ۲۰۱ که در مقام بیان موارد انحلال شرکت است، هیچ‌گونه اشاره‌ای به فوت اعضا و باقی ماندن یک عضو نشده است. در حالی که در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی، مختلط غیر سهامی، مختلط سهامی و نسبی فوت عضو به عنوان یکی از موارد انحلال مقرر شده است، ولی مشروط به پیش‌بینی در اساسنامه یا موقوف به رضایت دیگر شریکان و قائم مقام متوفی شده است، بنابراین در دیگر شرکتها نیز به‌طور مطلق فوت، موجب انحلال نمی‌شود و ممکن است باعث تک عضو شدن شرکت در ادامه حیات آن شود.

در مورد شرکت‌های تعاونی، همان‌طور که پیشتر بیان شد، صراحت بند ۲ ماده ۵۴ قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ که عنوان می‌دارد: «کاهش تعداد اعضا از حد نصاب مقرر در صورتی که حداکثر ظرف مدت سه ماه تعداد اعضا به نصاب مقرر نرسیده باشد...» که دلالت بر این دارد که در شرکت‌های تعاونی کاهش چه در اثر عوامل قهری مانند فوت و چه در اثر عوامل اختیاری، موجب انحلال است و ادامه حیات با یک عضو به مدت بیش از سه ماه امکان‌پذیر نیست. اما براساس مفهوم این ماده، در مدت سه ماه، امکان ادامه حیات با یک عضو وجود دارد.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد، تبدیل شرکت‌های تجاری به شرکت با عضو واحد در طول عمر آنها امکان‌پذیر است. به نحوی که چنانچه شرکت‌های تجاری در طول عمر خود به حالت تک‌عضوی در آیند، نمی‌توان آنها را به جز در موارد قانونی منحل شده، دانست، بلکه قدر متیقن این است که به موجب ماده ۲۲۰ قانون تجارت، ماهیت آنها را یک شرکت تضامنی و مسئولیت را متوجه شرکت و شریک واحد، بدانیم. در هر حال آنچه بیشتر مدنظر قرار دارد، تشکیل شرکت با عضو واحد است که در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای اروپایی به رسمیت شناخته شده است.

۴ مطالعه تطبیقی شرکت‌های با عضو واحد

بسیاری از کشورها در راستای شفاف‌سازی امور تجاری اشخاص حقیقی و جلوگیری از تشکیل شرکت‌های تجاری صورتی، در مقام بخشیدن شخصیت حقوقی به اشخاص حقیقی و قایل شدن اعتبار حقوقی برای آنها برآمده‌اند. پیشرو کشورهای دنیا در این زمینه، کشورهای اتحادیه اروپا هستند. در بین کشورهای آسیایی، کشور پاکستان با

اصلاح قانون ها و مقررات خود شرکتهای با عضو واحد را به رسمیت شناخته و دو کشور چین و هند نیز، درصد اصلاح قانون ها و مقررات خود برای به رسمیت شناختن شرکت های با عضو واحد هستند.

۱-۴ اتحادیه اروپا

در دسامبر ۱۹۸۹ شورای اروپا^{۱۱} (EC) که بعدها به اتحادیه اروپا^{۱۲} (EU) تغییر نام یافت. دستور کاری را با عنوان (دستور کار دوازدهم حقوق شرکتهای) که از جمله دستور کارهای نسل سوم آن (اتحادیه) محسوب می شود، تصویب کرد. هدف اول این دستور کار، به دست آوردن سطح بالایی از هماهنگی و تضمین آزادی تاسیس شرکتهای بود. وظیفه و هدف اصلی دستور کار ایجاد یک ابزار قانونی برای محدودیت مسوولیت در کشورهای عضو با تاسیس شرکتهای با عضو واحد است. از طرفی چون برخی از کشورهای عضو (EU) پیشتر شرکتهای با عضو واحد را به رسمیت شناخته بودند و برخی هنوز قایل به ضرورت مشارکت بیش از یک نفر برای تاسیس شرکت بودند، دستور کار، درصد برآمد تا اختلافات میان قانون های کشورهای عضو را رفع و فواید شرکتهای با عضو واحد را پررنگ تر کند.

برای این کار، بین کشورهای عضو، معاهده ای با عنوان معاهده رم^{۱۳} انعقاد یافت که در صدد هماهنگی قانونهای ملی کشورهای عضو در زمینه تاسیس و اداره شرکتهای برآمده است. براساس این معاهده، کشورهای عضو مکلفند از ابزارهای مشخص و لازمی برای کاهش اختلافات، برای حمایت از سهامداران، بستانکاران و اشخاص ثالث استفاده کنند. از جمله این ابزارها شناسایی راهکارهای قانونی برای تاسیس شرکت با عضو واحد و مسوولیت آن در مقابل اشخاص ثالث است. دستور کار دوازدهم به عنوان یک ابزار قانونی که مسوولیت موسسان مفرد را در تمام کشورهای عضو (اتحادیه اروپا) به طور یکسان، مجاز می کند، رهنمودی مشخص برای بالا بردن هماهنگی بین کشورهای عضو است. قبل از این دستور کار، بیشتر کشورهای عضو (اتحادیه اروپا) بر عنصر همکاری بیش از یک نفر برای تشکیل شرکت پافشاری می کردند، که مبنای حقوقی آنها مفهوم قراردادی شرکت بود. اما براساس دستور کار بالا، دولتها باید شرایط یکسانی برای یک شرکت تک نفره در تمام کشورهای (EU) فراهم کنند. در

¹¹ - European Council

¹² - Europe Union

¹³ - Treaty of the Rome

بسیاری از کشورهای عضو، راه‌حل‌های ملی متفاوتی از دستورکار مذکور برای تاسیس شرکت تک نفره وجود داشت، به نحوی که مدت زمان طولانی برای عمومی سازی امکان تاسیس شرکت تک نفره صرف شد. کشور آلمان در سال ۱۹۸۹ قانون شرکتهای با مسئولیت محدود را اصلاح کرد و در آن شرکت تک نفره را به رسمیت شناخت. فرانسه در سال ۱۹۸۵، بلژیک در سال ۱۹۸۷ و دانمارک در سال ۱۹۷۳ این نوع شرکت را به رسمیت شناختند. در سال ۱۹۹۴ (اتحادیه اروپا) آیین‌نامه اجرای دستورکار دوازدهم را تصویب کرد که بر اساس آن با شرایط و اصلاحاتی، مقررات شرکتهای با مسئولیت محدود و تضامنی در مورد شرکتهای تک نفره نیز اعمال می شود.

براساس گزارش کمیسیون شرکتهای تجاری (اتحادیه اروپا) ۹۲/۴ درصد تمام تشکیلات اقتصادی این اتحادیه به صورت (ریز موسسه)^{۱۴} اند که اعضای آن کمتر از ده نفرند و بیشتر از شرکتهای بزرگ تجاری در امور اقتصادی فعالیت دارند و شرکتهای تک عضوی نیز به طور معمول متعلق به همین تشکیلات کوچک هستند. این موسسات در (اتحادیه اروپا)، دو سوم گردش مالی تمام شرکتهای را در اختیار دارند.

هرچند که یک شرکت تک نفره در همه اقتصادهای بازاری مورد نیاز است، ولی اتحادیه اروپا به موسسان مفرد، اجازه نمی‌دهد که از این شرکتهای به عنوان سلاحی برای کلاهبرداری استفاده کنند. در واقع این موضوع را یک سپر می‌داند نه یک شمشیر! این بدان معناست که مجزاسازی اموال شخصی موسس از اموال شرکت، باید موجب حمایت از بستانکاران شود.

براساس گزارش کمیسیون مذکور، شرکتهای تک نفره بهترین چارچوب برای گسترش تجارت در بازارهای داخلی هستند. ولی برای جلوگیری از خطرهای آن، در کشورهای عضو راهکارهای مختلف در پیش گرفته شده است. در کشور آلمان، سهامدار باید تمام سرمایه را بپردازد، یا اینکه سرمایه مورد نیاز شرکت را بپردازد و برای بقیه آن ضمانت بدهد.

در آلمان هیچ حدی برای شخص حقیقی موسس یک شرکت تک نفره وجود ندارد که نتواند شرکت تک نفره دیگری ایجاد کند. در ایتالیا و بلژیک یک شخص حقیقی که مبادرت به تاسیس شرکت تک نفره کرده است، در قبال بدهیهای شرکت، مسئولیت نامحدود دارد، به همین دلیل شخص حقیقی نمی‌تواند عضو مفرد بیش از یک

¹⁴ -micro - enterprise

شرکت تک عضو باشد. در فرانسه، نخست چنین محدودیتی وجود داشت اما با اصلاح قانون، امروزه یک شخص حقیقی می تواند عضو چندین شرکت با مسئولیت محدود باشد. از سوی دیگر شرکت با مسئولیت محدود نمی تواند شرکتی با مسئولیت محدود دیگر را که توسط یک فرد تاسیس شده است، به عنوان تنها شریک خود انتخاب کند. این گام قانونگذار فرانسوی، امری نوین در اصلاحات قانونی و ایجاد وضعیت مناسب برای تضمین مسئولیت شرکتهای با عضو واحد در مقابل بستانکاران است.

در آلمان برای شرکتهای تک عضو و شرکتهای تک عضوی که به تاسیس چند شرکت دیگر تک عضو اقدام کرده اند، سه سطح مسئولیت در نظر گرفته شده است:

۱- جبران خسارت وارد شده توسط شرکت

۲- مسئولیت براساس سو مدیریت

۳- مسئولیت شرکت مادر در قبال خسارتهای وارد شده توسط شرکت تک عضوی فرعی.

در فرانسه شرکت مادر که به تاسیس گروهی از شرکتهای تک عضو اقدام کرده است، می تواند محکوم به مسئولیت عملی مدیر شود.

۲-۴ ثئوری شکافتن نقاب شرکتی در (اتحادیه اروپا)

بسیاری از اشخاص با ایجاد شرکت تجارتي درصدد پنهان کاری و مخفی سازی سرمایه های خود برمی- آیند. از جمله نتایج ناگوار شرکتهای تک نفره نیز همین موضوع می تواند باشد که باعث ارایه ثئوری شکافتن نقاب شرکتی در کشورهای عضو (اتحادیه اروپا) شده است. این ثئوری، وقتی مطرح می شود که موردی از سو استفاده از قانونهای، درباره تاسیس شرکتهای تک نفره دیده شود. به نحوی که این سؤال مطرح می شود که در چنین اوضاعی آیا عضو شرکت نیز در مقابل بستانکاران مسئولیت دارد یا خیر؟ و آیا به جز عضو، مدیر و اعضای هیأت مدیره نیز مسئولیتی دارند یا خیر؟

در قانون شرکتهای با مسئولیت محدود آلمان پیش بینی شده است که قبل از ثبت تجاری شرکت، آن شرکت فاقد اقامتگاه محسوب می شود و عضو واحد به طور مشخص مسؤول فعالیتهای شرکت است. در واقع

شرکت با مسؤولیت محدود تک نفره وقتی ایجاد می شود که ثبت شده باشد و تا قبل از ثبت، عضو به همراه مدیران دارای مسؤولیت دسته جمعی و جداگانه (تضامنی) در مقابل طلبکاران است. طبق قانون فرانسه، در مورد شرکت های تجاری مدیران و شریکان نخستین که مسؤول انحلال یا بطلان شرکت هستند، به اتفاق و جداگانه (تضامنی) در برابر اشخاص ثالث مسؤولیت دارند.

برابر بند ۴۸ قانون شرکت های با مسؤولیت محدود کشور آلمان برای مقابله با نقاب شرکتی یک شرکت تک عضو ملزم است تا بی درنگ بعد از آن که موضوعی تصویب شد، صورت جلسه آن را ثبت دفتری و امضا کند. بنابراین در صورت عدم ثبت صورت جلسه ها، تک عضو یا شرکت نمی تواند از مصوبات آن صورت جلسه سود ببرد.

طبق بند ۱-۶۰ از قانون شرکت های تجاری فرانسه، جایی که شرکت با مسؤولیت محدود، یک سهامدار دارد، تصمیمات آن باید توسط او گرفته شود و تمام آنها باید در دفتر ثبت و نگهداری شود و هر حرکتی که توسط تک عضو، برخلاف این مقررات شکلی صورت گیرد، می تواند مبنای دادخواست بطلان هر ذی نفعی بشود.

مطابق بند ۵ دستور کار دوازدهم، قراردادهایی که بین تک عضو و شرکت او منعقد می شود، باید صورت جلسه و ثبت شود. براساس قانون آلمان، انعقاد قرارداد عضو واحد با شرکت خود به رسمیت شناخته شده است. در ماده ۵۱ قانون شرکت های تجاری فرانسه، قرارداد مذکور به شرط ثبت و ضبط در دفتر ثبتی امکان پذیر است. بدین ترتیب راهکارهای مناسب برای شکافتن نقاب شرکتی، پیش بینی شده است.

۳-۴ شرکت های با عضو واحد در حقوق پاکستان

براساس قانون شرکت های تجاری پاکستان مصوب ۱۹۸۴ و با استنباط از بند (b) قسمت ۴۲ از قانون کمیسیون ارز و اوراق بهادار پاکستان مصوب ۱۹۹۷، کمیسیون مذکور با موافقت دولت پاکستان شرکت های با عضو واحد را طی مصوبی به رسمیت شناخته است. طبق این مصوبه، شرکت تک عضوی به دو شکل قابل تشکیل - است :

- ۱- تأسیس شرکت تک عضوی
- ۲- تبدیل شرکتها به شرکت تک عضوی

در این مصوب، شرکت تک‌عضوی یک عضو، یک مدیر مفرد و یک کاندیدای جایگزین مدیر باید داشته‌باشد. کاندیدای جایگزین مدیر، فردی است که توسط عضو واحد انتخاب می‌شود، تا به عنوان جانشین مدیر در صورت نبود دسترسی به مدیر عمل کند. مطابق قانون مذکور شرکت تک‌عضوی یعنی شرکت خصوصی که تنها یک عضو دارد.

یک شرکت تک‌عضوی در پاکستان می‌تواند، هنگام انتقال سهام یا تقسیم سهام یا مرگ تک‌عضو، به شرکت خصوصی دیگری تغییر شکل یابد. البته هنگام تغییر ماهیت شرکت در حالت انتقال سهام یا تقسیمات سهام باید موضوع، به تصویب شرکت برسد و اساس‌نامه شرکت، ظرف مدت سی روز از تاریخ انتقال یا تقسیم سهام اصلاح شود. و در صورت مرگ تک‌عضو، شرکت می‌تواند منحل شود یا به شرکت خصوصی دیگری تبدیل شود. طبق بند (b) ماده ۵ قانون گفته شده در بالا، تصمیمات تک‌عضو یا مدیر مفرد شرکت، باید در صورتجلسه تنظیم و در دفتر صورتجلسه‌ها ثبت و ضبط شود.

شرکت تک‌عضو، مطابق ماده ۶، باید ظرف مدت پانزده روز از تاسیس، یک منشی منصوب کند. منشی مکلف است، به‌طور دقیق و صحیح خلاصه روند جلسات عمومی را به همراه نام کسانی که در جلسه شرکت، حضور داشته‌اند، تنظیم و در دفتر صورتجلسه‌ها وارد کند، طبق ماده ۷ تک‌عضو باید دو نفر را نامزد مدیریت کند که یکی از آنها باید مدیر باشد، تا در صورت در دسترس نبودن کاندیدای مدیریت، به این عنوان عمل کند.

در پاکستان تبدیل شرکت تک‌عضوی بدون تصویب کمیسیون ارز و اوراق بهادار امکان‌پذیر نیست (بند

یک ماده ۹).

نتیجه:

بنابر تحلیلی که در باره ماهیت شرکت با عضو واحد صورت گرفت، در حقوق ایران با اصلاح مقررات و براساس تجربیات موفق دیگر کشورهای توسعه یافته و بهره گیری از تضمین هایی که آنها در مورد این شرکت پیش - بینی کرده اند، امکان تشکیل و اداره شرکت های با عضو واحد وجود دارد. اداره و تشکیل شرکتهای با عضو واحد به ویژه در قالب شرکتهای با مسئولیت محدود و سهامی با مبانی شخصیت حقوقی در حقوق تجارت و فقه اسلامی سازگاری دارد، و مانعی بزرگ بر سر راه قانونگذار ایرانی برای تصویب و به رسمیت شناختن چنین شرکتهایی وجود ندارد.

منابع:

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- اعظمی زنگنه، عبدالحمید، حقوق بازرگانی: درس و تقریرات / عبدالحمید اعظمی زنگنه، به سعی و اهتمام سهراب امینیان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۱.
- آقای، مجید، جرایم علیه مردگان در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات میثاق عدالت، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکتهای تجاری، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- تفرشی، محمدعیسی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج سوم و چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
- خزاعی، حسین، حقوق تجارت شرکتهای تجاری، ج اول و دوم، تهران، نشر قانون، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر دکترسید جعفر شهیدی، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۸۵، انتشارات دانشگاه تهران
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد اول، تهران، نشر دادگستر، چاپ ششم، تابستان ۱۳۸۰.
- صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، تهران، انتشارات دانا، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- صقری، منصور، ((تعریف شرکت تجاری))، تحولات حقوق خصوصی، زیر نظر ناصر کاتوزیان، چ ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

- قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، جلد ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- کاتبی، حسین قلی، حقوق تجارت، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ هشتم، ۱۳۷۹.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، جلد دوم، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه.ق.
- محمدی، سام و کاویار میرحسین، «امکان تشکیل شرکت تک نفره در حقوق ایران و انگلیس»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم، تابستان ۱۳۸۷
- مهاجریان، عباس، شخصیت حقوقی، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

منبع های انگلیسی

- Radenkovic, Dragana (2005), A Single Member Company: Convenient or not the Founders, Economics and Organization Journal Vol. 2, No 3
- Hayat Jasra, Mohammad (2003), Government of Pakistan Securities and Exchange of Pakistan.